

بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های جهان‌بینی هندویی در متون پورانه‌ای

محمدرسول ایمانی*

چکیده

پورانه‌ها، که در دسته‌بندی کلاسیک متون هندویی در گروه متون سمرتی (غیر مُنزل) جای داده دارند، از جمله تأثیرگذارترین متون هندویی در شکل‌دهی هندسه فکری و نظام الاهیاتی هندوئیسم متأخر و معاصر به شمار می‌روند. پورانه‌ها با نگاهی وحدت وجودی به جهان و با قرار دادن موجودات در سلسله مراتب تجلیات برهمن، خدایان متکثر هندویی را در یک نظام الاهیاتی واحد می‌گنجانند و به کارکردهای متنوع خدایانی که تا آن‌زمان در ارتباطی نامشخص با هم به سر می‌بردند، انسجام می‌بخشد. همچنین پورانه‌ها، با ارائه طرحی از مراحل و مراتب خلقت، که موجودات بر اساس شدت و ضعف معرفت، در یک سلسله طولی قرار دارند، خلقت انسان را در مراحل پایانی و تأمین‌کننده هدف نهایی برهمن از خلق کائنات معرفی کرده و بدین وسیله، نقشی محوری برای او در نظام هستی رقم می‌زند. این نوشتار، تلاشی در جهت جهان‌بینی هندویی، با تکیه بر آموزه‌ها و تعالیم پورانه‌ای، در سه حوزه خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و نجات‌شناسی می‌باشد. کلید واژه‌ها: هندوئیسم، متون هندویی، پورانه‌ها، حقیقت غایی، جهان، انسان، نجات.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

mrimani@hotmail.com

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری رشته ادیان و عرفان

دریافت: ۸۹/۱۱/۲۴ - پذیرش: ۹۰/۱/۱۵

مقدمه

در کنار وده‌ها و رزم‌نامه‌ها، پورانه‌ها از جمله تأثیرگذارترین متون هندویی است که نقش بی‌بدیلی در شکل دهی تفکر هندوئیسم متأخر به عهده داشته است. مجموعه خدایان هندویی، که تا پیش از شکل‌گیری پورانه‌ها، در ارتباطی نامشخص با یکدیگر به سر می‌بردند و سلسله مراتب آنها از تبیین مشخص و واحدی برخوردار نبود، پس از شکل‌گیری پورانه‌ها، به شکل نظامی منسجم از تجلیات حقیقت واحدی درآمدند که در آن نقش خدایان اصلی و فرعی به روشنی مشخص بود و سلسله مراتب خدایان و نیز چینش طبقات هستی و ادوار جهانی در نظام واحدی تبیین می‌یافت.

از سوی دیگر، تعالیم هندویی، که در مسیر عقلانی شدن و اهتمام روزافزون به راه حکمت، به عنوان راه رهایی از چرخه حیات به توفیقات فراوانی نایل گشته بود و صورت تکامل یافته خود را در قالب متون فاخر اوپانیشدی در معرض انظار قرار می‌داد، در پیچ و خم تفسیرها و تبیین‌های فلسفی و عمیق خود، از ماهیت برهمن و تقریرهای وحدت وجودی از جهان هستی، خود را از دسترس عامه و توده جامعه هندویی دور ساخته بود. در چنین فضایی، پورانه‌ها با توسعه تجلیات حقیقت غایی و توسعه اوتاره‌های ویشنو و تقدس بخشی به جلوه‌هایی از طبیعت، که تجلیگاه خداوند دانسته می‌شد و ارائه راه بَهکتی و اخلاص در کنار راه معرفت، حضور خداوند را در صحنه زندگی هندوان پررنگ‌تر کرده و کمک شایانی به مردمی‌تر کردن هندوئیسم و به صحنه زندگی کشاندن دینی داشت، به گونه‌ای که تا آن‌زمان، فهم آن نیازمند زانو زدن در محضر استادان و حکیمان و فرزندانگانه هندویی بود. از این‌رو، چنین توصیفی از متون پورانه‌ای قرین به صواب به نظر می‌رسد که «اگر وداها زیرساخت تفکر هندویی را پی‌ریزی می‌کند و رزم‌نامه‌ها بر پایه آن، ساختارهای اصلی آن تفکر را بنا می‌نهد، پورانه‌ها خانه‌های تمام ساختی هستند که هندوها در آن زندگی می‌کنند.»^۱

کسی که اولین بار با متون پورانه‌ای برخورد می‌کند، آن را عموماً مجموعه اساطیری از نحوه خلقت و سرگذشت پادشاهان خورشیدی و قمری هندویی می‌یابد که بیشتر به دلیل تفنن و سرگرم کردن مخاطبان تدوین شده‌اند. اما حقیقت آن است که در پشت این اساطیر و نقل حکایات، معارف عمیقی سر به مهر دارند که ساختار رزم‌نامه‌گونه پورانه‌ها، شاید تنها وسیله‌ای برای انتقال محرمانه آن به جویندگان حکمت باشد. بی‌دلیل نیست که در

تقسیم متون سَمِرْتی (غیر مُنزل) هندویی، گاهی پورانه‌ها را به علّت شباهت ساختاری فراوان به مَهَابَهارتَه به همراه آن جزء ایتی‌هاسه‌ها شمرده‌اند. گاهی نیز آن‌را جزء جداگانه‌ای از ایتی‌هاسه‌ها و قسمی از رزنامه‌ها و مَهَابَهارتَه قلمداد کرده‌اند.

در این نوشتار، سعی شده ضمن معرفی اجمالی و ارائه‌نمایی از شکل و محتوای متون پورانه‌ای، دیدگاه این متون در مورد سؤالاتی از این قبیل، مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد: آیا خدای پورانه‌ها خدایی واحد است یا کثیر؟ شبکه ارتباطی خدایان در پورانه‌ها به چه شکل ترسیم شده است؟ ارتباط خداوند با جهان هستی و نحوه دخالت خداوند در آن به چه شکل است؟ از منظر پورانه‌ها، جایگاه انسان در نظام هستی کدام است و وجه تمایز انسان با سایر موجودات چیست؟ نجات از منظر پورانه‌ها چیست و طریق آن کدام است؟ برای رسیدن به پاسخ سؤالات فوق شایسته است با اتخاذ رویکرد مسئله‌شناسانه، متون پورانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و جهان‌بینی خاص آن ذیل چهار عنوان خداشناسی، انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و نجات‌شناسی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. از آنجا که مراجعه به متن اصلی این متون به دلیل بیگانه بودن با زبان سنسکریت، امکان‌پذیر نبود و رجوع به ترجمه انگلیسی آنها نیز به علّت گستردگی مطالب و مجلدات،^۲ فرصت و مجالی بس وسیع‌تر را می‌طلبد، نقل قول‌ها عموماً از مجلد سوم مجموعه گران‌سنگ تاریخ فلسفه هند^۳ اثر داسگوپا انتخاب شده است. امید است این تلاش اندک، رضایت دوستداران مطالعات ادیان و پژوهش‌گرایان ادیان شرقی را برای انجام تحقیقاتی جامع‌تر در این زمینه فراهم کرده باشد.

تاریخچه و نحوه پیدایش پورانه‌ها

در مورد نحوه پیدایش پورانه‌ها، طیفی از دیدگاه‌ها را می‌توان ملاحظه کرد که در یک سو، پورانه‌ها به عنوان متونی شروتی (sruti) و به منزله وحی الاهی قلمداد شده‌اند. از سوی دیگر، در زمره متونی بشری و ساخته و پرداخته دست بشری جای داده شده‌اند. دیدگاه اول را عموماً می‌توان در لابه‌لای سطور خود پورانه‌ها و در اعماق باورهای هندوان متأخر و پیروان مکاتب سه گانه هندویی جست‌وجو کرد، در حالی‌که دیدگاه دوم، از سوی محققان و شرق‌شناسانی دنبال می‌شود که فارغ از تعلّقات فرقه‌ای و چهارچوب دینی خاص و با اتکا به شواهد و قراین تاریخی و روش‌های زبان‌شناسانه به ردیابی پیشینه و

خاستگاه این متون اقدام کرده‌اند. از این رو، از دو منظر می‌توان به متون پورانه‌ای نگریست؛ یک درون دینی و دیگر برون دینی.

الف) از منظر درون دینی

به اعتراف خود پورانه‌ها و بنابر اعتقاد بسیاری از هندوهان، پورانه‌ها وحی مستقیم الاهی است که به فرزندان نخست الهام شده است. قدمتی به اندازه خود ودها و یا پیش از آن دارد؛ چراکه برخی ودها مانند اَنَهروَه وده، که هزار سال پیش از میلاد قدمت دارد، پورانه‌ها را جزئی از وحی خود به شمار آورده است. بسیاری از سروده‌های وده‌ای هنگام صحبت از بسیاری از خدایان، انسان‌ها و حوادث، به اجمال از کنار آنها عبور کرده‌اند و سابقه ذهنی مخاطبان نسبت به جزئیات آنها، که در متون پورانه‌ای به تفصیل بیان شده‌اند، را پیش فرض خود قرار داده‌اند.^۴

بنا بر مَسیبیه پورانه،^۵ برهما اولین کسی است که یکی از پورانه‌ها را ایراد کرده است. آنگاه توسط ویشنو، که به شکل ویاسه (vyāsa) در آمده بود، به جهان انسانی منتقل شده است. وی آنها را ابتداءً در قالب نسخه کوچک‌تری درآورده و آنگاه آن‌را به هیجده بخش تقسیم کرده است.^۶ ویاسه در سنت هندویی، علاوه بر تدوین پورانه‌ها، دسته‌بندی وداها را نیز به عهده داشته و مهابهاراته را نیز تألیف کرده است.

ب) از منظر برون دینی

صرف نظر از خاستگاه الوهی و برهمنی، که برخی پورانه‌ها خود مدعی آن‌اند، شواهد تاریخی حاکی از آن است که آنچه امروزه به عنوان متون پورانه‌ای شناخته می‌شود، اولین بار توسط سوتَه‌ها^۷ و سرایندگان^۸، که ملازمان رهبران کشتریه‌ای بودند، تدوین و منتقل شده‌اند.^۹ سوتَه‌ها در ابتدا، محتوای پورانه‌های اولیه را به شکل افسانه نیاکان، برای سرگرمی آنها از برخوانی می‌کردند. با مرور زمان و برای قرن‌ها، این افسانه‌ها دهان به دهان به طور شفاهی منتقل می‌شد. در نهایت، در زمانی که عمدتاً قرون پس از میلاد تخمین زده می‌شود،^۹ گزیده‌هایی از این سنت شفاهی به تناسب حال مخاطبان ترکیب و تدوین شده و به شکل کنونی گردآوری شده است.^{۱۰}

تعداد پورانه‌ها

آنچه امروزه به عنوان متون پورانه‌ای شناخته می‌شود، هجده عدد از مهم‌ترین آنهاست که به

عنوان مهاپورانه و یا پورانه‌های بزرگ شناخته می‌شود، در حالی که، تحقیقات به عمل آمده بیانگر این است که تعداد آنها بسیار بیش از این میزان بوده و حتی برخی محققان تعداد آنها را بالغ بر صدها عدد تخمین زده‌اند.^{۱۱} اینکه حصر پورانه‌ها در عدد هیجده با چه انگیزه‌ای صورت گرفته و تا چه حد متأثر از محتوا و اهمیت مطالب بوده است، گمانه‌زنی‌هایی صورت گرفته است. ولی شاید یکی از معقول‌ترین توجیهاتی که در این زمینه به عمل آمده، شباهت ساختاری عمیق و ارتباط وثیق پورانه‌ها با رزمنامه‌ی مه‌بهارته است.^{۱۲} عدد هیجده در مواردی متعددی در مه‌بهارته خودنمایی می‌کند. آن‌گونه که تعداد فصول آن هجده عدد است، هجده لشکر در کارزار آن حضور دارند، به‌گودگی تا نیز خود مشتمل بر هجده بخش است و بالاخره، نبرد مه‌بهارته نیز هجده روز طول کشیده است.

از جمله اقدامات دیگری که سنت هندویی نسبت به متون پورانه انجام داده، تقسیم پورانه‌های بزرگ به سه دسته‌ی شش تایی است. این ساختار سه بخش، با فرضیه‌ی گونه‌ها^{۱۳} پیوند زده شده است. گونه‌های سه گانه در مکتب سانک‌هییه‌یوگه، که پنج قرن پیش از میلاد شکل گرفت، تار و پود جهان هستی‌اند که از نهاد پرکرته‌ی پدیدار می‌شوند و بسط و قبض آنها منشأ حدوث و نابودی عالم می‌گردد.^{۱۴} گونه‌های سه‌گانه عبارتند از: سَتَوَه،^{۱۵} رَجَس^{۱۶} و تَمَس^{۱۷} سَتَوَه همان جنبه‌ای از طبیعت است که درخشان، سفید و ساکن است. رَجَس^{۱۸} بخشی از طبیعت است که کدر، سرخ‌گون و در حال جنب و جوش است. تَمَس^{۱۹} بخشی از طبیعت است که ناخالص، تاریک و خشن و بی‌اثر است. هر یک از موجودات جهان، از ترکیب این سه گونه با نسبت‌های مختلف تشکیل شده است.^{۱۸} این سه گونه را می‌توان به ترتیب با سه حالت روشنایی، گسترش و تاریکی معادل ساخت. این رده‌بندی سه‌گانه را در مواضع متعددی در پورانه‌ها می‌توان جست‌وجو کرد که از جمله آنها می‌توان به طور برجسته، پَدَمَه‌پورانه^{۱۹} و مَتَسِیه‌پورانه^{۲۰} را نام برد.

از سوی دیگر، هر یک از این سه دسته از متون پورانه‌ای، با یکی از خدایان اصلی هندویی یعنی برهما، ویشنو و شیوه ارتباط داده شده‌اند. شاید عمده‌ترین دلیل این همسان‌سازی، ارتباط هر یک از این سه خدا، با هر یک از سه گونه یعنی روشنایی (آفرینش)، گسترش (نگه‌دارندگی) و تاریکی (نابودی) است که محور تقسیم پورانه‌های سه‌گانه بوده است. با این حال، تقسیم پورانه‌های هجده‌گانه بر اساس گونه‌های سه‌گانه منطقی‌تر از تقسیم آنها بر اساس خدایان سه‌گانه هندویی است. ارتباط دادن آنها

با یکی از خدایان اصلی هندویی، نباید موجب این توهم گردد که متون موجود در هر دسته در پی تمجید و ستایش خدای مربوط به دسته خود می‌باشد.

همه پورانه‌ها، اساساً مناقب ویشنو و شیوه را می‌ستایند و به همراه آن اشارات اندکی به برهما به عنوان یک خدا دارند. با این حال، نکته مهم این است که در همه این متون، خدایان سه‌گانه در عین قرار داشتن در یک سلسله طولی، از وحدتی انکارناپذیر برخوردارند. این همه ما را به این نتیجه می‌رساند که تقسیم پورانه‌ها بر اساس خدایان شکل نگرفته است، بلکه این متون بر اساس صفات و ارزش‌های معنوی انسان‌هایی که مطمح نظر این کتب بوده‌اند، به سه گروه تقسیم شده‌اند.^{۲۱}

در زیر جدولی از اسامی پورانه‌های بزرگ و تقسیم‌بندی سه‌گانه آنها ارائه شده است:

ویشنوه (ساتویکه) پورانه‌ها	شیوه (نامه) پورانه‌ها	براهمه (راجه) پورانه‌ها
ویشنو پورانه	مَشیه پورانه	براهمه پورانه
نارده پورانه	کورمه پورانه	برهمنده پورانه
بهاگوته پورانه	لینگه پورانه	برهمنده و یوزته پورانه
گروه پورانه	شیوه پورانه	مارکنديه پورانه
پلتمه پورانه	سکنده پورانه	بھویشیه پورانه
وراهه پورانه	اگنی پورانه	وامنه پورانه

مهم‌ترین موضوعات

ویلسون در مقدمه ترجمه خود از ویشنوپورانه، که اولین ترجمه از متون پورانه‌ای بود و در سال ۱۸۴۰م. به انگلیسی منتشر شد، محتوای پورانه‌ها را در «پنج موضوع مشخص»^{۲۲} منحصراً کرد. این موضوعات عبارتند از:

۱. خلقت اولیه یا پیدایش عالم؛ ۲. خلقت ثانویه یا انهدام و بازپیدایی جهان به همراه وقایع نگاری حوادث عالم؛ ۳. تبارشناسی خدایان و نیاکان؛ ۴. خاستگاه‌ها یا ادواری که مؤنث‌ترها نامیده می‌شوند؛ ۵. تاریخ و یا مشخصاً آنچه از سرگذشت تبار پادشاهان خورشیدی و قمری و نوادگان آنها تا عصر کنونی به ثبت رسیده است.^{۲۳}

علاوه بر تأملاتی که در دقت ترجمه ویلسون و صحت معادل‌سازی وی صورت گرفته،^{۲۴} تلاش وی پس از او تاکنون کم و بیش مورد تبعیت و پذیرش دانشمندان بوده و هست. با این حال، این عناوین پنج‌گانه در ده موضوع با جزئیات بیشتری به شرح ذیل، تفصیل داده شده است:^{۲۵}

- خلقت اولیه در مورد اینکه آیا خداوند تنها اجزای ظریف جهان مادی را خلق کرده است یا عناصر اصلی آنرا؛

- خلقت ثانویه، در طی آن، برهما یعنی اولین مخلوق^{۲۶}، اجزای اولیه عالم را برای ایجاد جهان هستی، به کار بسته است؛

- شیوه‌ای که خداوند، جهان را به وسیله امکانات متنوعش، قوانین اخلاقی و مخلوقات نگه‌داری می‌کند؛

- جزییات پیچیده رابطه خویشاوندی، به ویژه بین خداوند و سرسپردگانش؛

- جزییات اجداد و نیاکان بشر، به همراه سرگذشت و تاریخ فرمانروایان مهم جهان؛

- تشریح تکالیف موجودات زنده در مراحل مختلف وجود، با عنایت ویژه به مسئله «میل»،

که یا انسان را اسیر جهان می‌کند و یا او را رها می‌سازد، تا دنباله‌روی روح خود گردد؛

- اطلاعات مفصل در مورد شخصیت خداوند و تنزل‌های متعدّدش؛

- انحلال کل انرژی خداوند، به همراه توصیفی از نابودی عالم؛

- انواع گوناگون رستگاری و نحوه دستیابی به آنها؛

- هدف نهایی معرفت از جمله توصیف مفصلی از وجود اعلی^{۲۷، ۲۸}.

در برخی پورانه‌های بزرگ مانند بهاگوته‌پورانه،^{۲۹} زندگی و تعالیم کریشنا، که تشخیص رفیع مقام الوهیت به شمار می‌رود، نیز مورد بحث قرار گرفته است. با این حال، تنوع موضوعات پورانه‌های فعلی، گسترده‌تر از آن است که بدان اشاره شد. متون پورانه‌ای که هم‌اکنون موجود است، همچون اثری دائرةالمعارف‌گونه، علاوه بر مقولات فلسفی و مباحث مربوط به آغاز و انجام عالم، موضوعاتی از قبیل ستاره‌شناسی، جغرافیا، طب و بهداشت، صنعت و اسلحه‌سازی و هر آنچه بشر در گذران زندگی دنیوی خود به دانش آن نیازمند است را در بر می‌گیرد. از این‌رو، اسلام دیدگاه دارای وجاهت کافی است.^{۳۰} موضوعات پنج‌گانه‌ای که محور مباحث متون پورانه‌ای قلمداد شده‌اند، مربوط به نسخه‌های اولیه بود و در طول زمان، بر حجم و تنوع مطالب آن افزوده شده است.

تعالیم و آموزه‌های پورانه‌ای

متون پورانه‌ای همچون بسیاری دیگر از متون مقدس، که تعالیم خود در سه حوزه باورها، خلیقات و تکالیف دینی را به صورت ممزوج و در هم آمیخته در اختیار می‌نهند، از نظم و

نسق واحدی برخوردار نبوده است. پراکندگی موضوعات از مشخصات غالب آن به شمار می‌رود. این امر، اتخاذ رویکرد مسئله‌شناسانه برای دستیابی به دیدگاهی منسجم در مورد سؤال‌های هستی‌شناسانه را ضرورت می‌بخشد. اتخاذ این رویکرد در مطالعه متون دینی و از جمله پورانه‌ها، ضمن اینکه ذهن را از پراکندگی و سردرگمی در جمع‌بندی نهایی دیدگاه آن متن، در مورد یک موضوع حفظ می‌کند، بستری مناسب را برای انجام مطالعات تطبیقی بین تعالیم و آموزه‌های ادیان مختلف فراهم می‌سازد. از بین مسائل مختلفی که می‌توانند محور تحقیق و پژوهش در مطالعه یک دین قرار گیرند، این نوشتار چهار عنوان خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و نجات‌شناسی از منظر متون پورانه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱. خداشناسی

بی‌شک نظام الاهیاتی، که پیروان مذاهب سه‌گانه هندوی پی پذیرفته‌اند و نیز چینش خدایان در سلسله‌ای از مراتب وجود، تا حدّ زیادی وام‌دار متون پورانه‌ای و خداشناسی آن است. اگرچه خدایان پورانه‌ای تا پیش از شکل‌گیری این متون، خدایان شناخته‌ای شده‌ای بودند، اما شبکه ارتباطی و نحوه عمل آنها در نظام هستی از نظم و نسق واحدی برخوردار نبود. شاید بتوان اندیشه پورانه‌ای را علی‌رغم طرح نوعی الاهیات تثلیثی و گونه‌هایی از چندگانه‌پرستی، دینی موحد و معتقد به خدای واحد به حساب آورد. پورانه‌ها به منظور تلفیق و انسجام مطالب فراوان اسطوره‌ای، ساختارهایی را پی‌ریزی کردند که در آنها اشکال گوناگون الوهی می‌توانند در مراتب مختلف جای داده شوند. در نظام تثلیثی پورانه‌ای، کارکردهای کیهانی خدای واحد، یعنی خلق، نگه‌داری و تخریب به ترتیب در سه جلوه برهمن یعنی برهما، ویشنو و شیوه تشخیص می‌یابند.^{۳۱}

حقیقت غایی و تنزلات برهمن

در ویشنو پورانه، برای عالم، حقیقت غایی در نظر گرفته شده است که همان وجود صرف است و در همه جا وجود دارد. او همه چیز است و هر چیزی در اوست؛^{۳۲} او صرف الوجود است؛ چراکه دارای حدی نیست تا ماهیتی خارج از آن حد وجود داشته باشد و او آنرا از خود نفی کند.^{۳۳} وی در ابتدا به صورت یک اداره‌کننده غایی، غیرقابل شناخت،

نامحدود و نامتجلی وجود دارد.^{۳۴} و هموست که علت جاوید و نامیرای جهان نیز می‌باشد.^{۳۵}

اگر از مرتبه حقیقت غایی، که مرتبه‌ای نهان و نامتجلی است، به سمت پایین حرکت کنیم، به مرتبه تنزلات و ظهورات این حقیقت متعالی می‌رسیم. بر طبق ویشنوپورانه، اولین تنزل و صورت آشکارشده حقیقت غایی، پوروشه^{۳۶} است. این نکته زمانی اهمیت می‌یابد که مشاهده می‌کنیم در ریگ‌وده‌ی کهن،^{۳۷} پوروشه، موجودی الوهی و از جمله خدایانی است. که قبل از زمان، وجود داشته و قربانی شد تا هر دو قلمرو جهان مادی و جهان ماورای طبیعی خلق شود تا آیینی ودایی^{۳۸} نیز برای بازسازی این اسطوره و خلق نخستین به اجرا در آید.^{۳۹} در کوزمه‌پورانه، «پوروشه» حالت و وضعیتی است درون ذات اولیه و نامتجلی خداوند که هنگام تشخیص در قالب پرکرتی^{۴۰} در وی ایجاد می‌شود. بدین شکل، پرکرتی را اولین صورت ظهور خداوند و مظهر خروج وی از حالت بی‌رسم و نشانی قلمداد شده است.^{۴۱} پرکرتی حالت توازن و تعادل سه گونه الاهی یعنی ستوه (روشنایی) رَجَس (گسترش) و تَمَس (تاریکی) است که با ایجاد حالت «پوروشه» در ذات نخستین الاهی از حالت اعتدال خارج شده و با غلبه هر یک از آنها، ذات برهمن به هر یک از سه جلوه برهما، ویشنو و شیوه تعیین می‌یابد.

تنزلات ذات اولیه خداوند یا حقیقت غایی، در سیر نزولی ادامه می‌یابد تا به تعینات خلقی منتهی شده و موجب پدیدارشدن عالم هستی و مخلوقات می‌گردد که در بخش جهان‌شناسی به آن اشاره خواهیم کرد.

اوتاره‌های^{۴۲} ویشنو

لازم است به تقریر خاص پورانه‌ها از اوتاره‌های ویشنو، که از جمله ابتکارات پورانه‌ای قلمداد می‌شود، نیز اشاره شود. همان‌گونه که اشاره شد، سعی پورانه‌ها بر انتظام و انسجام مجموعه خدایان هندویی تعلق گرفته بود. در این راستا، پورانه‌ها با قرار دادن شخصیت‌های الوهی، که در متون متقدم مورد پرستش و تمجید بودند، در نظامی الاهیاتی، که ذات برهمن یا حقیقت غایی در نوک هرم آن قرار دارد و سایر خدایان بنا به درجه نقش و اهمیت‌شان در یک سلسله طولی، تجلیات و تنزلات آن حقیقت بی‌نام و نشان‌اند، این هدف را محقق ساخت. بدین منظور، پورانه‌ها با استفاده از پتانسیل موجود در

متون پیشین^{۴۳} و با تهیه بیوگرافی الوهی و داستان‌های افسانه‌ای برای شخصیت‌های همچون رامه و کریشنه، آنها را در نظام الاهیاتی خود گنجانند^{۴۴} و با توسعه اوتاره‌های (تنزلات) ویشنو،^{۴۵} آنها را از جمله مظاهر کارکرد کیهانی نگه‌دارندگی برهمن، یعنی ویشنو محسوب کردند. در پورانه‌ها^{۴۶} فهرستی از ده اوتاره ویشنو را می‌توان یافت که چهار عدد آن به شکل حیوان و ما بقی در قالب انسان‌اند. این تنزلات، عبارتند از ماهی (حفاظت از «مانو» که قانون‌گذار شریعت بود را در دریای متلاطم به عهده داشت)، لاک‌پشت (پس از انهدام عالم توسط آب‌های سیل آسا، اشیاء نفیس را از قعر اقیانوس‌ها پیدا کرد)، گراز وحشی، شیر - انسان (نیمی شیر و نیمی دیگر انسان)، انسان کوتاه‌قد (فرمانروایی قلمروی را از بالی تقاضا کرد و با برداشتن سه گام در آن، وی را به قعر زمین فرستاد)، رامه تبر به دست، رامه (قهرمان حماسه راماینه)، کریشنا، بودا و کلکی. از میان این اوتاره‌های ده‌گانه، تنها کلکی، که آخرین است، محقق نشده و مربوط به زمان آینده است. در آن ویشنو به صورت انسانی شمشیر به دست و سوار بر اسب، جهان را اصلاح خواهد کرد.

۲. جهان‌شناسی

از جمله اقدامات مهم متون پورانه‌ای در بُعد هستی‌شناسی، تبیین نحوه خلقت و فروپاشی عالم و نیز تعیین ادوار جهانی و به طور خلاصه، مشخص کردن طول و عرض جهان هستی است. همان‌گونه که بیان شد، ذات نامتجلی خداوند، ابتدا به صورت پرکرتی یا گونه‌های سه‌گانه تعیین می‌یابد و آنگاه با ایجاد حالت پوروشه و تقارن آن با پرکرتی، اولین مخلوق، لباس وجود بر تن می‌کند. وایوپورانه^{۴۷} این مخلوق نخستین را مهت^{۴۸} معرفی می‌کند. این مهت، از غلبه ستوه (روشنایی) بر دیگر گونه‌ها ایجاد شده است. و تنها وجود محض را آشکار می‌سازد و با نام‌ها دیگری همچون منس، برهما، بودا، ایشوره و سمرتی نیز خوانده می‌شود. این مهت در حالی که، در تب و تاب میل به خلق است، عمل خلقت را آغاز کرده و دهرمه^{۴۹} (تقوا و دین‌داری)، اذهرمه^{۵۰} (بی‌دینی) و سایر موجودات را می‌آفریند. مهت^{۵۱}، نه تنها عامل خلق تمامی موجودات ماهوی، بلکه منشأ هر معرفتی است و نتایجش از جمله لذت و الم و نیز عامل تمامی تجارب و نتایج آن نیز هست. او سرشت معرفت است و در همه جا حضور دارد و هر چیزی در اوست.

رابطهٔ خداوند با جهان هستی

تیین فوق، خود گویای نحوهٔ ارتباط علت هستی‌بخش با نظام هستی و عمل خلقت در نتیجهٔ تنزل حقیقت غایی یا برهن می‌باشد. با این حال، در ویشنوپورانه، خلق عالم مادی توسط برهنی، که صرف الوجود و وجودی بدون کم و کیف است، از امور غیرقابل فهم و غیرقابل تبیین دانسته شده و امر ایجاد، از صفات ذاتی و ضروری برهن قلمداد شده است. همان‌گونه که گرما ذاتی و ضروری آتش است و تبیینی برای آن نمی‌توان یافت.^{۵۲}

اساساً در جهان‌شناسی پورانه‌ای، تمایزی بین جهان و ذات برهن وجود ندارد؛ بلکه جهان هستی به تمامه، ظهور و نمود همان حقیقت غایی و ذات برهن است. در ویشنوپورانه.^{۵۳} در ستایش این ذات متعالی خطاب به او آمده است:

هر آنچه از این جهان مادی، که ملموس و قابل مشاهده است، ملاحظه شود، تنها ظهور و تجلی توست. تنها انسان‌های معمولی به اشتباه گمان می‌کنند که این جهان، عالمی طبیعی است. همه جهان از سرشت معرفت است و خطای خطاها آن است که به عنوان یک عین خارجی لحاظ شود. انسان‌های حکیم می‌دانند که این جهان از سرشت معرفت و تجلی خداوند است؛ خدایی که معرفت محض است.

در پورانه‌ها، جهان هستی، مجموعه‌ای متشکل از هفت لایهٔ تودرتو ترسیم شده است که همانند پوست پیاز یکدیگر را احاطه کرده‌اند. اولین قشر جهان هستی، آب است. پس از آن، به ترتیب آتش، هوا، آکاشه^{۵۴} (اِتر)، بهوتادی^{۵۵} (یا همان ستوه)، مهت و آویکته^{۵۶} (حالت تعادل گونه‌های سه‌گانه که معادل با پرکرتی است) قرار دارند.^{۵۷} از این‌رو با نظر به تنزلات برهن و اینکه مهت اولین مخلوق است، پیدایش و گسترش عالم هستی باید به شکل انقباضی و کروی‌گونه صورت پذیرفته باشد.

نحوهٔ انقراض عالم

انقراض و نحوهٔ انحلال عالم نیز از جمله مسائلی است که مورد توجه و محل بحث متون پورانه‌ای قرار داشته و همان‌گونه که در قسمت‌های قبل اشاره شد، یکی از عناوین اصلی و پنج‌گانهٔ پورانه‌ها به آن اختصاص دارد. بر اساس آنچه در نحوهٔ خلقت عالم بیان شد، به هم خوردن تناسب و توازن گونه‌های سه‌گانه ستوه، رَجَس و تَنَس و غلبهٔ ستوه، اساس پیدایش عالم و تکون کائنات است. هم‌چنان‌که، به هم ریختن تناسب فعلی آنها و این‌بار، غلبهٔ تَمَس (تاریکی) بر سایر گونه‌ها نیز منشأ ظهور جلوه‌ای دیگر از ذات برهن و انهدام عالم

توسط اوست. بر این اساس، می‌توان گفت: در پایان عالم، جلوه‌ای از تجلیات حقیقت غایی، یعنی برهما به کتم عدم می‌رود و جلوه‌ای دیگر از مظاهر او ظاهر می‌گردد. این حقیقت در وایوپورانه به این شکل بیان شده است که «خدا در پایان هر پَرگَیه^{۵۸} (فروپاشی عالم) جسم خود را از دست می‌دهد و در ابتدای هر خلقت جدید، تن جدیدی را به دست می‌آورد».^{۵۹} ویشنوپورانه در این زمینه بیان می‌کند در زمان مشخصی، به علت غلبه تمس، خدا به شکل رودره، جهان را می‌بلعد و بار دیگر در شکل برهما آن را خلق می‌کند.^{۶۰}

ادوار جهانی

افول و بازپیدایی مکرر و متناوب برهما این ظرفیت را داشت تا در پورانه‌ها، به عنوان مقیاسی برای تعیین ادوار مختلف تاریخی برگزیده شود. جهان هستی با ظهور برهما به عنوان جلوه آفرینندگی حقیقت غایی (برهمن)، وجود می‌یابد و با افول او پایان می‌پذیرد. از این رو، یک دوره جهانی با عمر برهما برابری خواهد کرد. اگرچه ادوار جهانی در مقیاسی کوچک‌تر در قالب ادوار چهارگانه (مهایوگه) در مهاباراته مطرح شده بود، ولی تبیین کلی‌تر از عمر جهان، که با حیات برهما ارتباط وثیقی دارد، در متون پورانه‌ای مطرح شد. به این شکل، عرض عالم هستی و گستردگی آن در پهنه زمان در مقیاس وسیع‌تری مشخص گردید.

پورانه‌ها حرکت تاریخ را حرکتی دوار ترسیم می‌کنند که از نقطه‌ای که همان تولد برهما است، آغاز و در همان نقطه، که تولد مجدد وی است، پایان می‌پذیرد. آنگاه حرکتی دیگر را به همین شکل پی‌می‌گیرد. هر دوره از این حرکت دوار، معادل صد سال عمر برهما به همراه صدسال خاموشی اوست. با این حال، این حرکت خود متشکل از هزاران حرکت دوار دیگر است که با روز و شب برهما برابری می‌کند. تاریخ در حرکتی کوچک‌تر، از ابتدای برخاستن برهما در یک روز آغاز، و در ابتدای روز دیگر انجام می‌پذیرد. این حرکت نیز خود از هزار حرکت دایره‌ای دیگر تشکیل یافته که میزان آن، مجموع همان چهار یوگه‌ای است که در مهابهارته، به عنوان ادوار چهارگانه تاریخ معرفی شده بود. بر این اساس، حرکت تاریخ و ادوار جهانی در جهان‌شناسی پورانه‌ای را می‌توان همانند گردونه‌ای در نظر گرفت که در یک چرخ خود، یک مهایوگه، عصر جهانی عادی را ایجاد می‌کند. در ۱۰۰۰ چرخ خود یک کلپه؛^{۶۱} یک روز برهما یا عصر جهانی میانه را رقم

می‌زند و با ۷۳۰۰۰۰۰۰ دور خود، عصر جهانی کبری، پیمانهٔ عمر صد سالهٔ برهما را کامل می‌کند.

با توجه به تعیین هر یک از یوگه‌های^{۶۲} چهارگانه بر اساس سال‌های بشری، می‌توان نتیجه گرفت عصر جهانی کبرا، که معادل صد سال عمر برهماست، ۳۱۱/۰۴۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ سال به طول می‌کشد. در پایان صد سال عمر برهما، فروپاشی کبرا و مهاپرگیه به وقوع می‌پیوندد و به موجب آن، آنچه که هست و نیست، کائنات و عوالم سه‌گانه و همه مراتب وجود به مبدأ باز می‌گردند. طی مدت صد سال، برهما در نیستی و عدم مطلق به سر می‌برد تا باری دیگر جهانی نو پدید آید.^{۶۳}

گونه‌های مختلف فروپاشی

علاوه بر فروپاشی کبرا، که با اتمام عمر برهما واقع می‌شود، در پورانه‌ها سه نوع انقراض دیگر نیز مطرح است که به ترتیب، با خواب برهما، رسیدن به کنه معرفت الاهی و نیز خلق و انعدام لحظه به لحظه عالم در ارتباط می‌باشد. در متون پورانه‌ای چهارنوع پَرکیه، انقراض و فروپاشی وجود دارد که عبارتند از پراکرتیکه‌پرلیه،^{۶۴} براهمه‌پرکیه،^{۶۵} آتیتیکه‌پرلیه^{۶۶} و نیتیه‌پرلیه.^{۶۷} پراکرتیکه‌پرکیه، همان فروپاشی کبراست که همه جهان به پَرکرتی باز می‌گردد و با آن یکی می‌شود؛ برهماپرلیه زمانی رخ می‌دهد که برهما به خواب می‌رود؛ آتیتیکه‌پرکیه حاصل از عمق معرفت نسبت به خداوند است و زمانی رخ می‌دهد که یگی خویشتنِ خویش را در پَرمانمن^{۶۸} گم می‌کند و میتیه‌پرکیه فروپاشی و انعدام پیوسته و مداومی است که هر روز در حال اتفاق است.^{۶۹}

ویژگی عمدهٔ طرح ادوار جهانی، که در هر دوی مهابهاراته و پورانه‌ها به نحو برجسته مورد اشاره قرار گرفته آن است و تاریخ داستان‌سرایی و نقل حکایات (دورهٔ کنونی) در عصر کلی‌یوگه،^{۷۰} که معمولاً با مرگ کریشنا آغاز می‌شود، در نظر گرفته می‌شود.^{۷۱} ویشنوپورانه^{۷۲} در توصیف این عصر چنین می‌گوید:

فساد بر همه چیز حکم‌فرما خواهد شد، دولت و ثروت تنها معیار ارزش و مقام و شهوت، یگانه پیوند میان زن و مرد و دروغ، تنها راه موفقیت در امور دنیوی محسوب خواهد شد. نظام طبقاتی متلاشی شده و دستورات و احکام ودایی را کسی دیگر رعایت نخواهد کرد. برهمن و کشتَریه‌ها از مقام خود سقوط خواهند کرد و پست‌ترین طبقه یا «شوذرَه»ها حاکم بر زمین خواهند شد.^{۷۳}

با توجه به اینکه کلی‌یوگه، اوج روند انحطاط و سقوط اخلاقی است و پس بعد از اولین عصر جهانی، یعنی کریته‌یوگه^{۷۴} آغاز شده بود، می‌توان چنین تخمین زد که انسانیت و کمالی که در دوره‌های قبل و عصر کهن وجود داشته، از جمله عللی است که پورانه‌ها را واداشته، خود را عمیقاً متعلق به گذشته و منسوب به اعصار کهن بدانند.^{۷۵}

۳. انسان‌شناسی

در بخش خدانشناسی پورانه‌ای گذشت که در ویشنوپورانه، اولین تجلی حقیقت غایی، پوروشه^{۷۶} در اثر تقارن با پرکرتی، موجب به وجود آمدن مهت می‌شود. این در حالی است که در مکتب یوگه و سانک‌هییه، که فلسفه پورانه‌ای وام‌دار آن است، پوروشه در معنایی دیگر، نفس شخصی انسانی معرفی می‌شود، با این توضیح که در تفکر اولیه هندویی، پوروشه‌ها بی‌شمار و کاملاً متمایز از هم قلمداد می‌شدند. در حالی که در تفکر متأخر، پوروشه‌ها وقتی به رهایی نائل می‌شوند، با نفس کلی (آتمن) به اتحاد می‌رسیدند.^{۷۷} اگر این دو معنا از پوروشه را صرفاً یک اشتراک لفظی به حساب نیاوریم، این حقیقت را می‌توان نتیجه گرفت که نفس کلی انسانی، با ذات برهمن یا حقیقت غایی در ارتباطی تنگاتنگ به سر می‌برد. حتی می‌توان رابطه‌ای این‌همانی بین آنها برقرار ساخت. شاید این ادعا، که جهان‌بینی پورانه‌ای، انسان‌محورانه^{۷۸} بوده و انسان را مرکز عالم و در نقطه مرکزی ادوار جهانی مونتیره و کلیه قرار می‌دهد،^{۷۹} با این کلام قابل توجیه باشد.

مرتبه انسان در مراحل خلقت

در ویشنوپورانه^{۸۰} برای خلقت موجودات، نه مرحله در نظر گرفته شده است که از «مهت» شروع شده و در مرحله هفتم به آفرینش موجوداتی انسانی منتهی می‌شود. سه مرحله اول مربوط به خلق موجودات مادی و غیرذی‌شعور است. در مرحله چهارم، نوبت به خلق پنج گونه از گیاهان می‌رسد. این گونه‌های گیاهی، اگرچه دارای روح‌اند، ولی هیچ‌گونه شعوری از ذات خود و از محیط پیرامون ندارند. از این جهت، «ارواحی بسته»^{۸۱} نامیده شده‌اند. از آنجاکه خداوند با خلق این گونه از موجودات، به رضایت نرسید، در مرحله پنجم، حیوانات و پرندگان را آفرید که بر خلاف گیاهان، رویش و حرکت آنها تنها به سمت بالا نیست، بلکه در جمیع جهات، قدرت بر گردش و نمو دارند. این موجودات، سرشار از

تمس (تاریکی) هستند. از این رو، اودینه^{۸۲} نامیده شده‌اند. در حالی که، خداوند با خلق این گونه موجودات نیز به رضایت نرسیده بود. در مرحله ششم، خدایان^{۸۳} را آفرید که عاری از رنج و پیوسته شاد هستند. علاوه بر اینکه، درکی از خود دارند، قادر به شناخت دنیای پیرامون و ارتباط با دیگران نیز می‌باشند. خلق این موجودات نیز خداوند را به سرحد خرسندی و اقتناع نرساند. از این رو، خداوند انسان‌ها و ارواکسرتس^{۸۴} را آفرید. این افراد، حاوی میزان زیادی از دو گونه رجس (گسترش) و تمس (تاریکی) هستند. از همین رو، رنج در آنها نسبت به شادی تفوق دارد.^{۸۵}

اگرچه مرز «معرفت»، حد فاصل میان این مخلوقات^{۸۶} از سایر خلایق است، با این حال، خصوصیت تاریکی و شرارت در آنها تفوق دارد، از این رو، ایشان پیوسته رنجور از شرند و پیوسته مجبور به عمل و کردارند. آنها هم به درون خود و هم به عالم خارج از خود علم و معرفت دارند و وسیله و تأمین کننده هدف خلقت و آزادی روح‌اند، آن مخلوقات همان نوع انسانی هستند.^{۸۷}

با نظر به سلسله مراتبی که برای خلق موجودات در پورانه‌ها ترسیم شده و روند تکامل و تعالی، که در آنها قابل مشاهده است، قرار دادن خلق انسان‌های که آمیخته از تمس و رجس و درگیر رنج‌اند، پس از خلق خدایانی^{۸۸} که خرسندی محض‌اند، خود می‌تواند گویای این مطلب باشد. این حقیقت زمانی خود را نمایان‌تر می‌سازد که مشاهده می‌شود در مارگندیه‌پورانه،^{۸۹} اتحاد با برهمن و رهایی از گونه‌های سه‌گانه پرکرتی، دو روی یک سکه طریق رهایی یا ماهشوره‌یوگه معرفی شده‌اند. گویا انسان زمانی به کمال لایق خود و اتحاد با برهمن می‌رسد که از تعلق ناشی از غلبه یکی از آنها خلاصی یابد و در درون ذات خود، به توازنی بین آنها دست یابد.

۴. نجات‌شناسی

بحث نجات در پورانه‌ها با نجات‌شناسی مکتب یوگه هم‌پوشانی و نقاط مشترک فراوانی دارد و به همین جهت است که در وایوپورانه^{۹۰} مراحل نجات و اتحاد با برهمن، در قالب شرح و توصیف مراحل و مؤلفه‌های ماهشوره-یوگه^{۹۱} توصیف شده است.

مکتب یوگه، که توسط شخصی به نام پاتان‌جالی پایه‌گذاری شد، با پذیرش اکثر مبانی معرفت‌شناسی و متافیزیک مکتب سانک‌هییه، یگانه راه رسیدن به مرتبه رهایی و آزادی را

معرفت‌ممتازی^{۹۲} دانست که از طریق انجام تمرین‌های ذهنی خاص و تلاش در جهت توقف کامل کنش‌های ذهن (یوگه) محقق می‌گردد.^{۹۳} در مارکندیه‌پورانه نیز یوگه^{۹۴} به معنای خاتمه دادن به جهل^{۹۵} از طریق معرفت معرفی شده که از یک سو، همان اتحاد با برهمن است و از سوی دیگر، عبارت از دوری جستن از گونه‌های پرکرتی می‌باشد.

منشأ رنج

همان‌گونه که بیان شد، تمایز ذات برهمن و جهان‌هستی از جمله خطاهای معرفتی انسان است. بنا بر ویشنوپورانه^{۹۶} خطای خطاها است که موجب می‌شود انسان، جهان را به دید عینی خارجی و جهانی طبیعی بنگرد. این خطای در دید، نفس انسانی را از توجه به منشأ حقیقی خود، یعنی ذات برهمن غافل ساخته و ریشه‌های تعلق و همانندپنداری با موجودات مادی را در دل او می‌دواند. مارکندیه‌پورانه،^{۹۷} همه رنج‌ها و مصیبت‌ها را ناشی از تعلقی می‌داند که در اثر جهل و همانندپنداری نفس با سایر اشیای عالم در دل، پدیدار می‌شود و تنها معرفت صحیح را شناختی معرفی می‌کند که انسان را به رهایی از این تعلقات رهنمون شود. دستیابی به چنین معرفتی، که از طریق انجام وظایف دینی و سایر کارهای پسندیده حاصل می‌شود، موجب می‌گردد تا شخص یگی^{۹۸} در مرحله نهایی از سلوک معرفتی خود، با برهمن یکی شود، همانند آبی که بر روی آب ریخته شده و با آن یکی می‌شود.

مراحل رهایی از رنج

وایوپورانه، ماهشوره-یوگه^{۹۹} را دارای پنج مؤلفه و یا دهرمه^{۱۰۰} معرفی می‌کند. برخی از آنها به این شرح است:^{۱۰۱}

۱. پرانایامه؛^{۱۰۲} زمانی رخ می‌دهد که حواس و وایو^{۱۰۳} با تمرین مداوم و گام به گام، تحت کنترل درمی‌آید. نتیجه این مرحله آن خواهد شد که، ابتدا گناهان و عیوبی که از والدین و یا در اثر ارتباط با دیگران در انسان ایجاد شده‌اند، سوخته می‌شود. پس از آن، گناه‌های شخصی مثل حرص و خودپسندی زدوده می‌شود. در مرحله بعد، نوعی بصیرت عرفانی در شخص یگی^{۱۰۴} ایجاد می‌شود که از طریق آن می‌تواند گذشته، حال و آینده را ببیند و همانند برهمن بتواند با حکیمان اعصار قبل، ارتباط برقرار کند. در نهایت، به طمأنینه و سکونی در احساسات، ذهن و حواس پنج‌گانه دست یابد.

۲. دهیانه،^{۱۰۵} که در طی آن فرد باید در صفات خداوند به تفکر و تأمل بپردازد، با انجام این کار فرد خود را همانند خورشید یا ماهی می‌یابد که هیچ محدودیتی برای تنویر و نورافشانی آن وجود ندارد. دو عنصر اصلی این مرحله یعنی مَنَس (ذهن) و بودهی، اساساً در زمین ریشه دارند. شخص یگی باید ابتدا آنها را یکی پس از دیگری اخذ کند. آنگاه خود را از آنها رها سازد؛ چراکه ممکن است حتی نسبت به این امور نیز تعلق و وابستگی پیدا کند.

۳. پرتیاهاره،^{۱۰۶} که عبارت است از ثابت ساختن ذهن از طریق تمرکز بر نقطه‌ای همچون نوک بینی و یا میان ابروها. این عمل و تمرین به منظور کنترل امیال صورت می‌گیرد و موجب می‌شود تا تأثیر امور و اشیای خارجی بر نفس خنثی گردد. پس از آنکه شخص یگی، تمامی تعلقات را از صفحه دل خود زدود و بر ماهشوره (نامی از اسامی پنج‌گانه شیوه) متمرکز شد، به علم مطلق، خرسندی، معرفت ازلی، آزادی مطلق، قدرت نافذ و قدرت نامحدود می‌پیوندد. در نتیجه، هدف نهایی از تفکر یوگه‌ای، نیل به مقام الوهی و برهمنی همانند ماهشوره می‌باشد.

نجات از طریق سرسپردگی به خداوند

متون پورانه‌ای، علاوه بر توجه به معرفت به عنوان طریق اتحاد با برهنم و رهایی از رنج و ارانه راه‌کارهای عملی برای نیل به این مقصود به یگی‌ها و انسان‌های ریاضت‌کش، از توده مردم، که هم‌میشان قاصر از پیمودن مراحل سخت یوگه می‌باشد، نیز غفلت نکرده و راه اخلاص و سرسپردگی به خداوند و تجلیات وی را پیش پای آنها نهاده است و شاید همین مؤلفه مهم است که پورانه‌ها را تا این حد در بین طبقات مختلف هندویی و توده مردم، عزیز و دوست‌داشتنی کرده است.

در طریق اخلاص یا بهکتی^{۱۰۷} که پورانه‌ها مطرح می‌کنند، هیچ یک از آیین قربانی و یا ریاضت‌های جانکاه نقش محوری ندارد، بلکه مهم‌ترین شاخصه‌ای که یک انسان در زندگی به آن نیازمند است، سرسپردگی به خداوند یا در مرتبه متعالی‌اش و یا در صورت یکی از تجلیاتش می‌باشد.^{۱۰۸} مهم‌ترین مؤلفه در طریق بهکتی آن است که نحوه ارتباط خداوند با انسان، نه بر اساس مرزهای وظیفه و تکلیف، بلکه بر اساس رابطه‌ای عاطفی استوار می‌گردد از یک سو، خداوند بندگان سرسپرده خویش را از روی عشق و علاقه، در

سایه حمایت‌های خویش قرار می‌دهد و از سوی دیگر، بندگان نیز به حکم دل‌دادگی به محبوب، متعهد می‌شوند تا خدمت‌گذار مخلص پروردگار خویش باشند.^{۱۰۹}

در طریق اخلاص، حتی گناهکاران نیز به وسیله خدای بهکتی محافظت می‌شوند تا جایی که به نظر می‌رسد، در این طریق، عمل و کرمه^{۱۱۰} به کناری نهاده شده و هرگونه قانون و دهرمه‌ای^{۱۱۱} برچیده شده است. اما باید توجه داشت که در طریق بهکتی، دهرمه هنوز به رسمیت شناخته شده، اما این قوانین در قالب اخلاص و بهکتی، صورتی دیگر به خود گرفته‌اند و به شکل متعالی‌تری در آمده‌اند.^{۱۱۲}

نتیجه‌گیری

با مراجعه به پورانه‌ها، دیدگاه کلی این متون در مورد مهم‌ترین مسائل جهان‌بینی هندویی، یعنی حقیقت جهان هستی، صفات خداوند، ماهیت و کمال انسان و مسئله نجات را می‌توان این‌گونه تبیین کرد:

۱. جهان هستی از منظر متون پورانه‌ای، عینیت مستقلی از ذات برهمن نداشته، بلکه از سنخ معرفت بوده و تجلی و ظهور حقیقتی واحد است که مبدأ تمامی موجودات و غایت نهایی جمله کائنات است.
۲. خداوند در پورانه‌ها وجودی صرف و حقیقتی واحد و بی‌نام و نشان است که غایت نهایی تمام هستی و موجودات بوده، به واسطه تنزل خود از مرتبه بی‌نشانی، در عالم هستی دخالت می‌ورزد و در لباس یکی از مظاهر سه‌گانه برهما، ویشنو و شیوه، ابتدا جهان و موجودات را خلق کرده، آنگاه پس از حفظ و حمایت از آنها در طول ادوار تاریخی، در انتهای تاریخ و پایان دوره بزرگ جهانی، آنها را نابود ساخته و پس از وقفه‌ای به خلق مجدد آن اقدام می‌ورزد.
۳. از دید متون پورانه‌ای، جهان هستی مشتمل بر مخلوقاتی به نام انسان است که قادرند با تکیه بر ظرفیت‌های منحصر به فرد معرفتی، که آنها را از دیگر موجودات ممتاز می‌کند، به سرکائنات، که همان برهمن و ذات متعالی نهفته در پس نمودهای ظاهری عالم است، پی برده و با اتحاد با آن، به مقام الوهی نایل شده و به علم مطلق، خرسندی، معرفت ازلی، آزادی مطلق، قدرت نافذ و قدرت نامحدود دست یابند.

۴. پورانه‌ها، منشأ تمام رنج‌های بشر را جهل و توهم عینیت داشتن جهان هستی می‌دانند. تلاش در جهت ارتقای معرفت و فهم اتحاد گوهر خویش و ذات برهمن را راه‌هایی از مصائب معرفتی می‌کنند. با این حال، پورانه‌ها با معرفی راه بهکتی و اخلاص در کنار راه معرفت، عموم مردم را به دل‌دادگی نسبت به خداوند یا یکی از مظاهرش به منظور جلب حمایت‌های بی‌دریغ او دعوت می‌کنند.



پی‌نوشت‌ها

1. Steven J. Rosen, *Essential Hinduism*, p. 138.
۲. هم اکنون ترجمه‌ای از پورانه‌های هجده‌گانه به زبان انگلیسی در دست انجام است که تاکنون بالغ بر ۱۱۰ جلد از آن عرضه شده است.
3. The history of Indian Philosophy.
4. Steven J. Rosen, *Ibid*, p.140.
5. Matsya Purāna
6. Freda Matchett, "The Purānas", *The Blackwell companion to Hinduism*, p.130.
۷. Sutas اصطلاح سوته به دو شکل اسم خاص و اسم عام در پورانه‌ها به کار رفته است. در شکل خاص سوته (Suta) یکی از فرزندان حکیم هندویی است که در پورانه‌ها و دیگر متون مقدس تبخر داشت و سرسپرده ویشنو بود. اما sutas به صورت جمع اشاره به گروه یا طایفه‌ای از مردم داشت که پدر آنها از طبقه کشتریه و مادر آنها از طبقه برهمنان بود. از این رو، انسان‌های دو رگه‌ای بودند که نه برهمن بودند و نه کشتریه و وظیفه آنها آن بود که از اسب‌ها نگهداری کنند و به عنوان ازابهران و کالاسکه‌چی به کار گرفته می‌شدند.
8. Winternitz, Maurice, *A history of Indian Literature*, v.1, p. 505.
۹. دانشمندان از مقایسه متون بودایی مهاییانه مربوط به نخستین قرن‌های میلادی با برخی پورانه‌ها به این نتیجه رسیدند که، تألیف قدیمی‌ترین پورانه‌ها به شکل امروزی در این دوره صورت گرفته است. (علی موحدیان عطار، «متون دینی هندو»، *هفت آسمان*، ش ۲۵، ص ۱۳۳ و ۱۳۴).
10. Freda Matchett, "The Purānas", *The Blackwell companion to Hinduism*, p.130.
11. Cort, John, "An Overview of the Jaina Purānas" in: Purāna Perennis, ed: Doniger, p.185.
12. Freda Matchett, "The Purānas", *Ibid*, p.134.
13. Gunas
14. Jones, Constance A. and Ryan, James D, *Encyclopedia of Hinduism*, p. 171.
15. sattva
16. rajas
17. tamas
18. Jones, Constance A. and Ryan, James D, *Ibid*. p.134.
19. 5. 263. 81
20. 290. 13-15
21. Steven J. Rosen, *Essential Hinduism*, p.142.
۲۲. این عبارت، ترجمه ویلسون از اصطلاح سنسکریت پنچلکشنه (pancalaksana) می‌باشد.
23. Wilson, H. H., transe, 1961, 1st. 1840, *The Vishnu Purāna: A System of Hindu Mythology and Tradition*. Calcutta: punthi Pustak, p.iv.
۲۴. به طور مثال «خلقت ثانویه» معادل واژه سانسکریت پرتیسرگه (pratisarga) قرار داده شده است در حالیکه در اصل به معنای «مقابل خلقت» یا «نابود کردن» می‌باشد.
- See: Freda Matchett, "The Purānas", *Ibid*, p.135
25. Steven J. Rosen, *Essential Hinduism*, p.141.
۲۶. در حقیقت اولین تجلی و ظهور برهمن در چهره آفرینندگی که از از غلبه ستوه بر گونه‌های دیگر حاصل می‌شود.
۲۷. در اوپه‌نیشدها، همه خدایان متعلق و دایی به یک موجود یعنی «برهمن» فروکاهیده می‌شود. برهمن، وجود اعلای جهان یا همان «Supreme Essence» دانسته می‌شود. این ذات، در خلقت‌های گوناگون جهان هستی و در روح انسان‌ها دیده می‌شود.
- Madha Bazaz Wangu, *World Religion; Hinduism*, p.39.
28. Supreme
29. Bhāgavata Purāna, 2.20.1 and 12.7.9
۳۰. علی موحدیان عطار، همان، ص ۱۳۶.

31. Freda Matchett, "The Purānas", *The Blackwell Companion to Hinduism*, p. 139.
32. Visnu Purāna, 1. 2. 11
33. Visnu Purāna. 1. 2. 13
34. Kurma purāna, 4. 21
35. Ibid.
36. purusa
37. Rig Veda, X. 90
38. AGNICHAYANA.
39. Jones, Constance A. and Ryan, James D, *Encyclopedia of Hinduism*, p.338.
40. prakrti
41. Dasgupa, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, v.3 , p.509.
42. avataras
۴۳. در بهبودگی تا آمده است: «هر زمان که قانون مقدس از عمل بازماند و شر، سر خود را برافرازد، من [ویشنو] در قالب موجودی متجسد، متولد می‌شوم برای اینکه درستکاری را پاسداری کرده و گنه کاران را ریشه‌کن کنم و قانون مقدس را برقرار سازم، من عصر به عصر زاده می‌شوم»
- Bhagavad Gita 4. 6-8.
44. see: Freda Matchett, "The Purānas", Ibid, p.139.
۴۵. در متون متقدم از پورانه‌ها نیز اشاراتی به برخی از موجوداتی که پورانه‌ها آنها را جزو اوتاره‌های ویشنو قلمداد کرده است، وجود دارد. به طور مثال، در آخرین بخش از مهابهاراته به گراز وحشی (boar)، شیر - انسان (man-lion)، انسان کوتوله (dwarf) و موجود انسانی (human being) اشاره شده است.
- (Mahabharata, 12. 337. 35)
46. Matsya purāna, 47, 237-248 / Vāyu Purāna, 98, 71-104 .
47. Vāyu Purāna 4. 25
48. mahat
49. dharma.
50. adharma.
51. Vāyu Purāna 4. 2
52. Visnu purāna, 1. 3. 1-2
53. visnu purāna. 1. 4. 39
54. ākāśa.
55. bhūtā-di.
56. avyakta.
57. Dasgupa, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, v.3, p.499.
58. Pralaya
59. Vāyu Purāna, 4. 68
60. Ibid.
61. kalpa.
62. yugas
۶۳. داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ج ۱، ص ۲۸۳.
64. prākrtika
65. brāhma
66. ātyantika
67. nitya
68. paramā-tman
69. Dasgupa, Surendranath, Ibid, v.3, p.502.
70. kali yuga
71. Freda Matchett, "The Purānas", *The Blackwell Companion to Hinduism*, p. 139.
72. visnu purāna 4, 23
۷۳. داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ج ۱، ص ۲۸۳.
۷۴. مهایوگه شامل چهار عصر است: الف. کریت‌یوگه یا عصر طلایی که خداوند در آن عصر وداها را بر انسان

مکشوف کرد و همگان به آن ملتزم بودند و آلام جسمی و روحی در آن وجود نداشت؛ ب. تریایوگه یک چهارم وداها به فراموشی سپرده شده و نظم طبقاتی متزلزل می‌شود و آدمیان یک چهارم معرفت فطری خود را از دست می‌دهند؛ ج. دواپره‌یوگه که در آن جنگ بین خدایان و اهریمنان پدیدار می‌شود و طبقه براهمن‌ها و کشتریه‌ها به وظایف خود چندان که باید عمل نمی‌کنند و نیمی از وداها فراموش می‌شود؛ د. کلی‌یوگه که عصر تاریکی و اضمحلال و انحطاط ارزش‌های معنوی و اخلاقی است.

75. Freda Matchett, Ibid, p. 140.

76. purusa

77. Jones, Constance A. and Ryan, James D, *Encyclopedia of Hinduism*, p. 338.

78. anthropocentric

79. Freda Matchett, "The Purānas", Ibid, p.140.

80. Visnu Purāna, 1. 4

81. samurtā-tman

82. avedinah

83. gods

84. arvāk-srotas

85. Dasgupa, Surendranath, Ibid, v.3, p.502-503.

86. arvāk-srotas

87. Wilson, H. H, *The Vishnu Purana, A System of Hindu Mythology and Tradition*, v.1, p.73.

88. gods

89. Mārkaṇḍeya Puāna, 39. 1

90. Vāyu Purāna, 5. 9

91. māheśvara-yoga

92. vivekajnāna

۹۳. ساتیش چاندرا چاتری و دریندراموهان داتا، *معرفی مکتب‌های فلسفی هند*، ترجمه فرناز ناظرزاده، ص ۱۵۲.

94. Yoga

95. ajnāna

96. Visnu Purāna 1. 4. 3

97. markandeya Purana, 40, 41

98. yogī

99. māheśvara-yoga

100. dharmas

101. *A History of Indian Philosophy*, v.3, p.506.

102. prānāyāma

103. vāyu

104. yogi

105. dhyāna

106. pratyāhāra

107. bhakti

۱۰۸. در پورانه‌ها به برخی امکانه و جلوه‌های طبیعت، تقدس خاصی بخشیده می‌شود. برای مثال، در سکنده‌پورانه و ناردده‌پورانه شهرهای مقدس (Holy cities) توصیف شده است. در گروده‌پورانه و شیوه‌پورانه، رودهای مقدس شمرده شده است. در وایوپورانه‌ها دستورالعمل ساخت زیارتگاه‌ها ارائه شده است. در ناردده‌پورانه برای نحوه تقدیم نذور و پیش‌کش به خدایان دستورالعمل‌هایی وجود دارد. این همه به جهت تقدیس و تکریم تمامی تجلیات خداوند در حضور کنونی‌اش در تریایلیکا می‌باشد.

Dasgupa, Surendranath, *The Blackwell Companion to Hinduism*, p. 140-141.

109. Ibid.

110. karma

111. dharma

112. Dasgupa, Surendranath, Ibid.

منابع

- چاتری، ساتیش‌چاندرا و داتا، دریندراموهان، *معرفی مکتب‌های فلسفی هند*، ترجمه فرناز ناظرزاده کرمانی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان، ۱۳۸۴.
- شایگان، داریوش، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، چ ششم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- موحّدیان عطار، علی، «متون دینی هندو» *هفت آسمان*، ش ۲۵، بهار ۸۴، ۱۱۵-۱۴۴.
- Cort, John, "An Overview of the Jaina Puranas", *Purana Perennis*, ed: *Doniger, Wendy*, State University of New York Press, 1993.
- Dasgupa, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, v.3, Cambridge University Press, 1952.
- Freda Matchett, "The Puranas", *The Blackwell companion to Hinduism*, Uk, Blackwell Publishing, 2003.
- Jones, Constance A. and Ryan, James D, *Encyclopedia of Hinduism*, US, Fact and File, An Imprint Infobase Publishing, 2007.
- Madhu Bazaz Wangu, *World Religion; Hinduism*, 4th ed, New York, Infobase Publishing, 2009.
- Steven J. Rosen, *Essential Hinduism*, United State, Praeger Publishers, 2006 .
- Wilson, H. H, transe.1961, *The Vishnu Purana: A System of Hindu Mythology and Tradition*, Calcutta: punthi Pustak, 1st.1840
- Winternitz, Maurice, *A history of Indian Literture*, India, Motilal Banarsidass Publ, 1996.

